



## مطبوعات در دوره حکومت انتقالی



محمد جواد خاوری

وجود مطبوعات آزاد در هر جامعه ای دلیل بر رشد سیاسی و ارتقاء سطح فکری آن است. انتشار بیش از صد عنوان نشریه آزاد در کابل و دیگر شهرها، مشام آزادی خواهی هر افغانی را تحریک می کند. آیا پس از عمری استبداد و خفقان، نسیم آزادی، جامعه مدنی و دموکراسی، وزیدن گرفته است؟ مردم افغانستان آرزوهای سرکوفت شده و حرفهای نگفته بسیاری دارند؛ آیا فرصتی ایجاد شده است که آن آرزوهای عقیم مانده و سخنان گفته نشده را بازگو کنند؟ آیا این صد عنوان نشریه همان زبانی است که در آرزوی داشتش بودند؟ بانگاهی گذرا به نام و عنوان های نشریات می توان لبخند امیدی بر لب نشانند: «مشعل دموکراسی»، «نگاه نو»، «افغانستان نوین»، «عهد جدید»، «اندیشه نو»، «آرمان ملی»، «مشارکت ملی» و... این نامها، تشنگی مردم



افغانستان را نسبت به مفاهیمی مانند تجدد، دموکراسی و مشارکت ملی بیان می کند، اما تا چه اندازه وجود این گونه نام ها بر پیشانی نشریات، مبین آن مفاهیم است؟ آیا جامعه سنتی و جنگ زده افغانستان قدم در فضای باز سیاسی و جامعه مدنی گذاشته است یا بر بروی شروع شده و همه از هول حلیم در دیگ افتاده اند؟ بسیاری از نشریاتی که نامهایی مشابه نامهای فوق داشته اند، پس از نشر یکی دو شماره ای، از دور فعالیت خارج شده اند. دلیل این آمد و رفت های شتاب زده چیست؟

بیا بید مطلق قضاوت نکنیم. کثرت مطبوعات در جامعه ای که از حصار استبدادها شده و قصد حرکت به سوی دموکراسی دارد، بسیار طبیعی است. مطبوعات آزاد در واقع موتور محرک جامعه به سوی پیشرفت و ترقی است. تعدد نشریات در یک جامعه نشانه رشد و پویایی آن جامعه است. جامعه مدنی یا دموکراسی که همه در تلاش تحقق آن هستیم، به وجود نمی آید مگر اینکه امکان اظهار نظر هر فرد و گروهی در مورد سرنوشت جمعی وجود داشته باشد. مهمترین وسیله برای بیان نظریات و اندیشه ها، مطبوعات است. پس تعدد روزنامه و جریده به معنی تعدد افکار و اندیشه هاست. اما با کمال تأسف، بسیاری از نشریات ما پشتوانه اندیشه ای ندارند، یعنی بر اساس ضرورت فکری به وجود نیامده اند. این نشریات فقط انگیزه های اقتصادی دارند. افراد نشریه منتشر می کنند تا درآمد داشته باشند. این است که این گونه نشریات از وجود هر گونه طرح و برنامه و اندیشه و جهت گیری تهی هستند. اگر سخنی هم داشته باشند، مطابق سلیقه سازمان یا فرد حمایت کننده است. در مجموع می توان گفت که جراید هنوز نقش و جایگاه اساسی خود را در روشنگری و پویایی جامعه باز نیافته اند.



**این گونه نشریات از وجود هرگونه طرح و برنامه و اندیشه و جهت گیری تهی هستند. اگر سخنی هم داشته باشند، مطابق سلیقه سازمان یا فرد حمایت کننده است. در مجموع می توان گفت که جراید هنوز نقش و جایگاه اساسی خود را در روشنگری و پویایی جامعه باز نیافته اند.**

که خواننده را جذب کند. اکثر جرایدی که رایگان توزیع می شوند، فقط میل ورق زدن خواننده را ارضای می کنند. خواننده بدون این که بالای مطلبی متوقف شود، نشریه را ورق می گرداند و به زودی کنار می گذارد. اگر هم بعضی ها متوقف می شوند، برای این است که مواردی را برای تسمخر و خنده پیدا کنند؛ و حقا که چنین مواردی کم نیستند.

در یک دسته بندی کلی، نشریات افغانستان را می توان به سه دسته تقسیم کرد.

### ۱. نشریات دولتی

### ۲. نشریات حزبی

### ۳. نشریات آزاد

نشریات آزاد خود به دو گروه تقسیم می شوند: نشریاتی که انگیزه های اقتصادی دارند و نشریاتی که انگیزه های فکری دارند.

نشریات دسته اول چندان قابل بحث نیستند. آنها سیاستهای دولت را تبلیغ می کنند و پیرامون برنامه ها و عملکردهای دولت اخبار و گزارش می نویسند. روزنامه های «انیس»، «هیواد» و «آرمان ملی» از جمله این نشریات هستند.

نشریاتی که از سوی احزاب منتشر می شوند نیز قابل بحث نیستند. آنها همچنان راه سابق خود را ادامه می دهند. البته تغییرات اندکی در نوع مطالب، تحت تأثیر جو جدید، رخ داده که تا اندازه ای چهره آنها را عوض کرده است؛ مثل مطالبی در باره دموکراسی و مشارکت ملی و حقوق بشر. اما از این نظر که گرایشهای شدید حزبی هنوز حاکم است و عکس و سخنان رهبران در صفحه اول قبل از عکس رئیس دولت می آید، همچنان طبق روال سابق است. مطالب این گونه نشریات اغلب تبلیغی، روزمره و ضعیف هستند. در این میان یکی دو نشریه ای هستند که از قوت محتوایی خوبی برخوردارند و حرف برای گفتن دارند. «عهد جدید» یکی از آنهاست نشریات است.

اما تمام بحث بر سر نشریات آزاد است. این نشریات نوظهور می توانند حرف و حدیثهای زیادی داشته باشند.

پس از تحولات جدید و به وجود آمدن فضای باز سیاسی، فعالیت مطبوعات آزاد شد. این آزادی باعث گردید که خیلیها به هوس انتشار جریده ای بيفتند. سرمایه های خارجی که به



جوان و خوش ذوق کشور است.

□

اما نشریات آزادی که از نوع اول است و بیشترین حجم نشریات را در افغانستان تشکیل می دهند، جای بحث و بررسی بیشتری دارند. این گروه نشریات دارای نقاط ضعف و قوت فراوان هستند. در زیر به مهمترین نقطه ضعفها و نقطه قوتهای این نشریات اشاره می کنیم. اما نقاط ضعف:

### گردانندگان غیر حرفه ای

دست اندرکاران اکثر این نشریات، افرادی تازه کار، بی تجربه و ناآشنا به فنون روزنامه نگاری هستند. بسیاری از صاحب امتیازان و مدیرمسئول ها برای اولین بار نامشان در جراید می آید. طبعاً آنها از اصول روزنامه نگاری چیزی نمی دانند. مدیرمسئول شدن فقط می تواند شهرت طلبی عده ای را تأمین کند. شرایط جدید خلیهارا از موقعیت سابق محروم کرده است. حزب سالاری و قوماندان سالاری کم رنگ شده و ارزشها به نفع فرهنگ و شایسته سالاری تغییر کرده است. اگر دیروز نان در حزب سازی و نظامی گری بود، امروز نان در کار فرهنگی است. به همین دلیل است که تب کار فرهنگی بالا رفته و کسی که احساس می کند سرش به کلاهش می آزد، در صدد این کارهاست. کوچه پسکوچه هایی که روزی محل قرارگاههای نظامی بوده، اکنون محل دفاتر مؤسسات فرهنگی و نشریات شده است. به این خاطر بسیاری از کسانی که موقعیت سابق خود را از دست داده اند، در صدد به دست آوردن آن در سایه کار فرهنگی هستند. اما کار فرهنگی، آدم فرهنگی می خواهد. در این شوربازار کار فرهنگی، آدم فرهنگی شده است کیمیا. در افغانستان هر چه نظامی بخواهی پیدا می توانی، اما آدم فرهنگی و اهل قلم را با ذره بین هم نمی توانی بیابی. به راحتی می توان نشریه تأسیس کرد، ولی به راحتی نمی توان آن را انتشار داد. مدیرمسئولان در پی مطلب پیش هر کسی گردن کج می کنند. به اندازه ای که نشریه وجود دارد نویسنده حرفه ای وجود ندارد. نشریات مجبورند از نویسندگان تازه کار و غیر حرفه ای استفاده کنند. تازه تعداد همین نویسندگان



سابقه دار است. سردبیر آن محب بارش از شاعران صاحب نام کشور است. سپیده، فصلنامه ای فرهنگی است که پیش از این در خارج کشور نشر می شد. نفل مطالب سپیده ادبیات است و آثاری از نویسندگان بزرگ کشور را در بر دارد.

«طلایه» ماهنامه فرهنگی ای است که در بغلان نشر می شود. تاکنون دو شماره از این ماهنامه منتشر شده است و از همین دو شماره معلوم می شود که نشریه خواندنی و موفقی است. دست اندرکاران این نشریه، جوانانی بی نام و نشان ولی آن طور که از کارشان پیداست، پانگیزه و استعداد هستند. ادبیات، هنر و اجتماعیات مطالب این ماهنامه را تشکیل می دهد.

«تعاون» نشریه ای است که از سوی مرکز تعاون افغانستان منتشر می شود. این نشریه نیز پیش از این در خارج کشور به مدیریت نویسنده نام آشنای کشور حسین فخری نشر می شد و از جمله نشریات خواندنی بود. اکنون که آقای نظری مدیریت آن را به عهده دارد، نیز از وزن آن کاسته نشده است. همکاری قلمی بسیاری از نویسندگان به خصوص سمیع حامد، وحید وارسته و حسین فخری همچنان این نشریه را خواندنی نگه داشته است.

«صدف» از بهترین نشریات زنان است. مدیریت این نشریه به عهده خالده فروغ، شاعر

قصه کمک به بازسازی افغانستان سرازیر شده بود، به تشدید این هوس کمک کرد. اکثر مؤسسات و انجوهای خارجی هزینه تأمین پروپوزلهای فرهنگی را با علاقه مندی پذیرفتند. این بود که زمینه اقتصادی کارهای فرهنگی که انتشار جراید از آن جمله بود، تضمین گردید. ظهور قارچ گونه انجوها، مراکز فرهنگی و نشریات آزاد، در راستای همین فرایند بود.

بخش دوم نشریات آزاد که بر اساس ضرورتهای فکری ایجاد شده است، به اندازه ای نیست که به عنوان گروهی مورد بحث قرار گیرد. این نشریات که تعدادشان به تعداد انگشتان دست هم نمی رسد، هر کدام در زمینه ای درخشش داشته اند. می توان پاره ای از خصوصیات آنها را به صورت موردی بیان کرد.

«تخصص» ماهنامه ای است که در هرات از سوی انجمن متخصصین نشر می شود. نویسندگان این ماهنامه تحصیل کردگان و استادان دانشگاه هستند. مطالبی که در این ماهنامه نشر می شود، متنوع است؛ از مسایل فکری و فرهنگی گرفته تا مسایل علمی مثل پزشکی. تنوع مطالب و تخصصی بودن آنها، ماهنامه تخصص را خواندنی کرده است.

«سپیده» فصلنامه ای است که از سوی مرکز کلتوری عرفان نشر می شود و یکی از نشریات



پس از تحولات جدید و به  
وجود آمدن فضای باز  
سیاسی، فعالیت مطبوعات  
آزاد شد. این آزادی باعث  
گردید که خلیپها به هوس  
انتشار جریده‌های بیفتند.  
سرمایه‌های خارجی که به  
قصد کمک به بازسازی  
افغانستان سرازیر شده بود،  
به تشدید این هوس کمک کرد.

غیر حرفه‌ای هم به اندازه کفایت نیست. کسی که سرش به تنش می‌ارزد، در چندین نشریه کار می‌کند. به همین خاطر است که محتوای نشریات بسیار ضعیف است و چنگی به دل نمی‌زند. نشریه داران هم تمام هم و غم‌شان پر کردن صفحات است. پس هر مطلبی که صفحه را سیاه کند، غنیمت است.

از طرفی انتظار می‌رود نویسندگان با تمام ارج و قرب‌شان بی‌هیچ چشمداشتی کار کنند. هنوز نویسندگی به عنوان یک حرفه پذیرفته نشده است. فرهنگ معاش دادن به اهل قلم هنوز جا نیفتاده. هر صاحب‌فنی حق دارد فقط در مقابل مزد کار کند، اما نویسنده باید برای خدا کار کند. همه از نویسنده انتظار همکاری دارند و هر جا او را ببینند از او مطلب می‌خواهند، اما فکر نمی‌کنند که نویسنده کارش نویسندگی است و اگر از همان راه نان نخورد گرسنه می‌ماند. این است که دست اندکاران نشریات معاش کافی ندارند. آنها مجبورند یا در چند جا کار کنند یا نویسندگی را کار تفتنی خود قرار دهند و نشان را از طریق کار دیگری در بیاورند.

#### انگیزه‌های اقتصادی

بسیاری از نشریات بر پایه انگیزه‌های اقتصادی به وجود آمده‌اند. علت اینکه اکثر نشریات تکرار یکدیگرند و حرف جدیدی برای گفتن ندارند، همین است. امروز حرف از مطبوعات آزاد طرفدار زیادی دارد. سرمایه‌های بادآورده خارجی هم به دنبال جایی برای مصرف می‌گردند. چه جایی بهتر از مطبوعات؟ مطبوعات می‌توانند حرفهای قشنگ بزنند؛ می‌توانند واژه‌های شیک به کار ببرند؛ می‌توانند مبلغ خوبی برای احزاب باشند؛ می‌توانند عکس رهبران را در صفحات اول خود چاپ کنند. پس خیلی راحت آدم می‌تواند پروپوزل بدهد و در آن از صلح، تجدد، دموکراسی، جامعه مدنی، مشارکت ملی، حقوق بشر، حقوق زن و... حرف بزند و علاقه پیسه داران را جلب کند و برای چند صباحی از غم‌نان بی‌غم شوند. این است که این نشریات به جای اینکه بیابند حرفهای جدی بزنند از واژه‌های شیک، عکسهای شیک و مطالب روز مره استفاده می‌کنند. دغدغه این گونه نشریات

فقط چاپ تعداد شماره‌هایی است که در پروپوزل تعهد کرده‌اند. نیاز فکری باعث تأسیس‌شان نشده که دست اندکارانشان دغدغه ارائه فکر، رهبری جامعه و مقابله با افکار مخالف را داشته باشند. به همین خاطر است که عمر این نشریات تا زمانی است که زمان پروپوزل به پایان نرسیده باشد.

#### روزمره بودن مطالب

چنان‌که پیش از این هم گفته شد، اکثر این نشریات از مطالب جدی و خواندنی تهی هستند. هفته‌نامه‌ها کم و بیش به انعکاس بعضی از اخبار و گزارشها و مصاحبه‌ها در مورد مسایل جاریه می‌پردازند. بعضی‌ها هم با گشودن صفحات سرگرمی و مطالبی از گوشه و کنار دنیا که غالباً از سایتها و روزنامه‌های خارجی می‌گیرند، صفحاتشان را پر می‌کنند. برای اینکه دول برابر شود صفحه آخر را انگلیسی می‌نویسند و یک صفحه مطلب کم‌اهم می‌کنند.

#### طرح و دیزاین ابتدایی

شاید خیلی طبیعی باشد که طرح و دیزاین در نشریات تازه به میدان آمده افغانستان از کیفیت پایینی برخوردار باشد. هنوز مفهوم طرح و

اهمیت صفحه‌آرایی برای دست‌اندرکاران نشریات معلوم نشده است. آنها بیشتر به پر کردن صفحات می‌اندیشند و نهایت جلوه‌ای که در صفحه‌آرایی از آن سود می‌برند، استفاده از عکس است. بعضی از نشریاتی که از طرح استفاده می‌کنند، از طرحهای بسیار ابتدایی کار می‌گیرند. دست‌اندرکاران نشریات با مفهوم گرافیک بیگانه‌اند؛ به همین دلیل طرحهایی که استفاده می‌شود بیشتر نقاشی است. آنها در طرحها بیشتر به دقت و ظرافت ظاهر طرحها می‌پردازند تا به قوت پیامی که باید آن طرحها ارائه کنند. تعدادی از ماهنامه‌هایی که جلد و صفحات رنگی دارند، آنها را با عکسهای از زنان و دختران زیر عنوان دختران موفق پر می‌کنند.

#### نقاط قوت

با تمام نواقص و ضعفهایی که نشریات از آنها رنج می‌برند، رویکردهای نیکویی هم در آنها رخ داده است که نشان از تحولی مثبت می‌دهد. این رویکردها در مجموع این حس را برمی‌انگیزند که نشریات به سوی افق امیدبخشی در حرکتند. همچنین این رویکردها این حس را



به وجود می آورد که فضای بازی برای حرف زدن ایجاد شده و بوی آزادی مطبوعات به مشام می رسد. در ذیل به پاره ای از این رویکردهای نیکو اشاره می کنیم.

### ترسیم فضای ملی

شاید این بهترین دست آورد باشد که مردم افغانستان به جای اینکه احساس کنند متعلق به فلان حزب یا فلان قوم هستند، متعلق به افغانستان اند و دغدغه شان به جای این که قومی و حزبی باشد، ملی باشد. گرچه نشریاتی که از سوی احزاب منتشر می شوند هنوز هم کم و بیش بر روال سابق هستند، اما نشریات آزاد سعی می کنند در چوکات ملی حرکت کنند؛ پیرامون حکومت مرکزی حرف بزنند و از منافع ملی حمایت کنند. وقتی مشاهده می شود که در صفحه اول نشریات به جای عکس و سخنان رهبران احزاب، عکس و سخنان رییس دولت می باشد، خود به خود حس همگرایی در وجود خواننده تحریک می شود.

### لحن انتقاد و اعتراض

در نظام دموکراسی، دولت نماینده مردم است و باید در خدمت مردم باشد. مردم حق دارند نسبت به عملکردهای دولت حساس باشند و حق دارند دولت را به خاطر عملکردهای نادرستش مورد مؤاخذه قرار دهند. مطبوعات آزاد زبان مردم هستند و روزنامه نگاران چشم بیدار و دیده هشیار آنان، مطبوعات وظیفه دارند مردم را به حقوقشان آشنا کنند و از آنان در برابر تضییع حقوقشان دفاع کنند. دولت در جامعه ای که مطبوعات در آن آزاد باشند، نمی تواند افسار گسیخته عمل کند. هوشیاری مطبوعات و واکنش در برابر سیاستهای نادرست دولت، عامل بزرگی در جهت سالم سازی جامعه است. این است که لحن اعتراض آمیز بعضی از نشریات را در برابر نابسامانی های اجتماعی، سیاستهای غلط دولت و اعمال ناشایست افراد و ارگانهای دولتی، می تواند رویکرد مثبتی برای نشریات به حساب آید. اعتراض به حادثه دانشگاه که در آن چندین تن دانشجو کشته و زخمی شدند و مؤاخذه وزیر تحصیلات عالی؛ اعتراض به

رشوه گیری کارمندان دولت؛ شکایت از تسلط کلداری پاکستانی بر اقتصاد و بازار افغانستان نمونه هایی از این رویکرد مثبت می باشد. به این عناوین توجه کنید:

- چرا قانون بالای مسؤولین تطبیق نمی شود؟ (اراده، ۲۰ قوس ۱۳۸۱)

- محصولان پوهتون کابل و مشق دموکراسی. (طلایه، شماره ۲، ۱۵ قوس)

- پارلمان چرا تشکیل نشد؟ (بهار، شماره ۱۴، ۳ قوس ۱۳۸۱)

- آیا مرجعی برای رسیدگی به انتقادات وجود دارد؟ (پیام مجاهد، شماره ۳۹، ۲۱ قوس)

- آیا شعار غیر سیاسی بودن پوهتون ها به معنی بازگشت به عهد سلطنت نیست؟ (صراحت، شماره ۱۹، ۲۰ قوس ۸۱)

البته تنها معنی مشارکت، اعتراض نیست. اعتراض می تواند با ارائه راه حل توأم باشد. نشریات کابل در کنار اعتراض به گفتمان با مسؤولین هم می پردازد. نامه سرگشاده به رییس دولت می تواند از جمله آن گفتمانها به حساب آید.

### تقویت جو مدنی

تقریباً همه نشریات حداقل در سطح شعار هم شده سعی می کنند از مفاهیمی چون صلح، دموکراسی، حقوق بشر و جامعه مدنی حرف بزنند و بدین طریق کمکی به ایجاد جو دموکراسی کنند. به عناوین مطالب تعدادی از نشریات نگاه کنید:

- باز هم راه نادمو کراسی (بهار، شماره ۱۴، قوس ۸۱)

- حکومت ملی بلی، گریز از مرکز نه (همبستگی، شماره ۱۰۹، ۲۱ قوس ۸۱)

- دموکراسی منهای پارلمان ۱۹ (مجاهد، شماره ۱۱، ۵ قوس ۸۱)

- دموکراسی مقدمه ورود به جامعه مدنی است (پنجره، شماره ۵، ۱۵ قوس ۸۱)

- رقابت تعمیری به جای رقابت تخریبی (آرمان ملی، شماره مسلسل ۲۲۱، ۲۵ قوس ۸۱)

### کم کردن القاب و عناوین تشریفاتی

یکی از آفتهای جوامع جهان سوم، شخصیت تراشی است. این کار باعث می شود

که شخصیتهای کاذب بت شوند و شکست ناپذیر به نظر آیند. وقتی هم بتی تراشیده شد، فقط به کرنش و بندگی دیگران رضایت می دهد و بس. نه می توان اعتراض کرد، نه می توان انتقاد کرد و نه می توان فروکشیدش. القاب و عناوین بعضی از رهبران مادر گذشته به چند سطر می رسید و بخش بزرگی از وقت رادیو و تلویزیون را اشغال می کرد. گرچه هنوز هم این روند در نشریات حزبی جریان دارد، اما در نشریات آزاد از به کار بردن القاب و عناوینی کاسته شده است.

### حقوق زن و ظهور نشریات زنانه

در جامعه مردسالاری مانند افغانستان، حقوق زن به عنوان نیمی از جامعه انسانی همیشه پایمال بوده است. این تضییع حقوق در سالهای اخیر با حاکمیت طالبان به اوج خود رسیده بود. بعد از فروپاشی طالبان، بیشترین کسانی که احساس آزادی کردند، زنان بودند. گرچه حکومت طالبان از هم پاشید و بسیاری از ممنوعیتها از زنان برداشته شد، اما بسیاری از محدودیتها به صورت رسم یا هنجار همچنان به قوت خود باقی است. مثلاً پوشیدن چادری دیگر اجباری نیست، اما اکثر زنان افغانستان هنوز نمی توانند چادری را ترک کنند. آگاه کردن زنان به حقوقشان از جمله دغدغه های طرفداران جامعه مدنی و جوامع بین المللی است. به این خاطر بسیاری از نشریات سعی کرده اند جایگاهی را برای پرداختن به مسایل زنان اختصاص دهند. به علاوه چندین نشریه مختص زنان منتشر می شود همچون «صدف»، «روزنه»، «روز»، «سیرت» و «مریم». البته غالب این دسته نشریات از پرداختن به مسایل اساسی زنان تهی هستند و تنها به چاپ عکسهای رنگی زنان و دختران یا معرفی زنان و دختران شیک پوش و موفق اکتفا می کنند و از این لحاظ به رنگین نامه های بازاری بیشتر شبیه هستند.

در پایان این مجال می توان به این نتیجه رسید که گرچه رویکردهای جدید در عرصه مطبوعات بسیار امیدوار کننده است، اما تا رسیدن مطبوعات به جایگاه واقعی آن، راه درازی در پیش است.

